

با شکل گرفتن امت اسلامی در مدینه و تأسیس دولت اسلام، پایه های مدنیت مسلمانان روز به روز مستحکمتر شد، و روی آوردن به شهرنشینی و خانه سازی و زیستن در کنار توده های مردم مورد تشویق قرار گرفت. با گذشت زمان و گسترش دامنه اسلام و فتوحات مسلمانان و تحکیم روابط با دیگران، هنر معماری اسلامی از کشورها و ملت های مختلف تأثیر پذیرفت و از شیوه های بنای آنان بهره گرفت.

بنا بر برخی نقل های تاریخی قبل از اسلام نیز بعضی قریه ها، شهرها، و قلعه ها، در یمن، حجاز، حضرموت و بحرین برج و بارو و حصار داشته اند، و در داخل بعضی از خانه ها، قصرها و معبد ها تصاویری نقش می شد. گاهی هم در جاهایی چون یمن، سدهایی برای مشروب ساختن اراضی زراعتی یا آشامیدن مردم احداث می شد. [کماله، الفنون، ۳۰]

در دوره امویان و با رشد روحیه تجمل پرستی و کاخ نشینی حاکمان و امیران، نوعی رقابت با کلیساهای مسیحی و قصرهای حکومتی بیزانس و روم ایجاد شد. خلفای بنی امیه در ساختن قصرها، کاخها، قلعه ها و حتی مساجد مجلل بسیار کوشیدند. آنها با استفاده از ابزار و امکانات و معماران مجرب، بناهایی عظیم و مجلل با ایوانهایی بزرگ، ستونهای بلند، محرابهایی شگفت و تزییناتی اشرافی ساختند.

هنر بیشتر در خدمت حاکمان و اطرافیان آنان بود و امکان سرپیچی از فرمان خلفا و امرا در به استخدام درآوردن معماران هنرمند برای ساختن مدارس، مساجد و قصرها نبود. انگیزه غالب این حاکمان در ساختن مدارس و مساجد حک نام خویش بر پیشانی ساختمان بود.

تا زمانی که مرکز حکومت اسلامی در مدینه بود، خلفای چهارگانه، همچون پیامبر از اسراف و هرچه که مظهر اشرافیت بود پرهیز می کردند. ولی در زمان معاویه که حکومت به دمشق منتقل شد این سنت تغییر یافت. در این زمان، معاویه با مشاهده معابد بت پرستان و کلیسای مسیحیان اقدام به برپایی مساجدی پرشکوه تر از این ساختمانها کرد. [کماله، ۳۰]

ارنست کونل در کتاب فن الاسلامی می گوید: روی آوردن به ساختن مساجد بزرگ و قصرهای بلند برای فرمانروایان مسلمان، از زمانی شروع شد که خلافت اسلامی به دست معاویه، سرسلسله امویان، از مدینه به دمشق منتقل شد. خلفای چهارگانه پیش از او، به پیروی از پیامبر اسلام، از اسراف و تجمل خودداری می کردند. معاویه - که دمشق را پایتخت خود قرار داده بود - تصمیم گرفت تا مساجدی با شکوه بسازد که از معابد بت پرستان و کلیساهای مسیحیان کمتر نباشد، و قصرهایی بنا کند که درخشش و جلال آن در رقابت از کاخهای بیزانس عقب نماند. از این رو طبیعی بود که یک حرکت پرشتاب و پرنشاط معماری شروع شود. مواد، مصالح، کارگر، معمار و هنرمندان را از همه جا بکار گرفتند و استادکارانی از سوریه، روم و ایران برای آرایش و تزیین بناها

فضای معنوی

معماری مسلمانان

و تحولات تجمل گرایانه

در بنای مسجد

حسین عرفانی

اشاره:

مقاله ای که پیش رو دارید، فصل دوم از پایان نامه کارشناسی ارتباط تصویری آقای حسین عرفانی، دانشجوی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، است که با عنوان «محراب مساجد تهران» و باراهنمایی استاد سید محمد فدوی در سال ۱۳۷۶ نگاشته شده است. این پایان نامه، مشتمل بر ۱۰۸ صفحه و دارای یک پیشگفتار، پنج فصل، یک فهرست منابع و ۱۴۵ قطعه تصویر می باشد که توسط نگارنده عکاسی شده است.

دهوت نمودند. پس از سقوط بنی امیه، ابن جریران - بویزه در اسپانیا - همچنان در روزگار بنی عباس ادامه یافت. [کونل، الفتن، ۱۵]

تاریخ هنر اسلام نشان می‌دهد که پادشاهان و امیران بسیاری از رواج دهندگان بزرگ تصویر و نقاشی بوده‌اند. خلفای عباسی در قصرهایی که در شام و سامرا می‌ساختند از تصاویر و نقوش زیبا و رنگارنگ در دیوارها و سقفها استفاده می‌کردند.

شیوه و سبک مسجد، بر اسلوبی که در زمان پیامبر و خلفای راشدین بود باقی نماند و همپای شکوفایی تمدن اسلامی دگرگون شد. دولت اموی بر این مسئله همت گماشت که ارزش و بها و جلوه مساجد از معابد یهود و نصارا که در مصر و شام بود کمتر نباشد. این بود که شکل کلی بنای مساجد نسبت به سابق تغییر کرد و به تناسب دولت جدید و ملت‌های صاحب تمدن از عناصر جدیدتری برخوردار شد. [ماهرمحمد، مساجد مصر، ۱۷]

در این گونه بناهای باشکوه، نمی‌توان ذوق، ابتکار، عشق، محبت و انگیزه مذهبی مسلمانان را نادیده گرفت. آن اندیشه‌های ماورایی و عمیق که در ساختمان معابد و مساجد و کلیساها و قبر سربازان گمنام و مزار اولیا و بناهای کهن دینی وجود دارد هرگز در ساختمانهای دیگر نیست و شناخت این اندیشه‌ها و احساس ارزشمند است؛ گاهی در یک بنا، یک تاریخ جسم پیدا می‌کند.

پلون شک آثار هنری مسلمانان در زمینه‌های تصویری تجسمی، معماری، خطوط هندسی و نقش و نگارها از یک مایه غیر مادی برخوردار است، و این از متن تفکر مذهبی و مایه‌های مکتب سرچشمه می‌گیرد. چراکه نگاه هنرمند مسلمان به هستی با نگرش یک انسان مادی فرق می‌کند.

معماری، هنری آمیخته با تصویر و نقاشی

ریشه اعتقادی نهی از تصویر و تجسم مسئله نگویش با تحریم تصویر و مجسمه‌سازی، ریشه‌ای اعتقادی و فلسفه‌ای مبتنی بر حفظ افکار توحیدی و جلوگیری از هر نوع شرک و پرستش مظاهر و نمادهای آن دارد. معنا و انگیزه این نهی مخالفت با هنر و آفرینش زیبایی نیست، بلکه صیانت مسلمانان از هر نوع گرایش به مجسمه و بت پرستی - هرچند به صورتی کمرنگ و پنهانی و نامحسوس - است. با توجه به رواج پرستش بت‌هایی به صورت مجسمه‌های سنگی یا فلزی در حجاز و دیگر جاها، و نیز تقدیس و تکریم تصویرها و صورت‌هایی به عنوان مظاهر خدا و به نام رب النوع در عربستان، یونان، یمن و حتی به شکلی در ایران زرتشتی، وقتی آیین اسلام و مکتب توحیدی حضرت رسول (ص) ظهور کرد، به عنوان یکی از اقدامها برای زدودن تمام آثار، بقایا، نمادها، مظاهر و سمبلیهای شرک آلود، و برای طرد هر چیزی که تداعی کننده آن گرنشها، تمثیلهها، تقدیسهها و پرستشهای



شیشون جامع اموی، دمشق

مشرکانه در برابر غیرخداي پکتا بود، از کشیدن صورت و نگاهداری شمال و روی آوردن به تصویر نهی شد. این جهت‌گیری، مبارزه با سمبلیها و نمادهای تداعی کننده شرک است و گامی است جهت زدودن اصل تفکر شرک. تقدیس مظاهر، تقدیس واقعیت آنهاست و توهین و تحقیر نسبت به نمادها و مظهرها، تحقیر آن اندیشه و باوری است که به این مظاهر و سمبلیها، تقدیس، کرامت و حرمت بخشیده است و پشتوانه فکری و اعتقادی این ظواهر محسوب می‌شود.

کشیدن صورت و نقاشی انسان و جانوران و نیز ساختن مجسمه در میان عرب قبل از اسلام ریشه‌ای شرک آلود داشته است، و تصاویر و مجسمه‌ها را برای تقدیس و پرستش می‌کشیدند و می‌تراشیدند. یکی از پر رونق‌ترین دوره‌های این گونه تفکر و عمل مشرکانه، دوره حضرت ابراهیم (ع) بوده است. این سنت غلط در میان عرب هم رواج داشت و کعبه، خانه توحید، نمایشگاه و موزه‌ای از آثار نقاشی و مجسمه‌های تراشیده شده و پتهای دست ساز بود.

تحریم مجسمه ونهی از تصویر موجودات دارای روح، بی ارتباط با آن ذهنیات و اعتقادات نبوده است. عکس پرستی و خضوع در مقابل تصویر و مجسمه دلها را از عبادت خدا و توجه خالصانه به او باز می‌دارد و نکوشهای پاد شده، در جهت بازگرداندن افکار و دلها از این مسیر انحرافی به توحید ناب و بی‌پریایه است.



مقام بصری، شبستان جامع اموی، دمشق

بوده است به شکلهای گوناگونی بروز کرده است که مهمترین موارد تجلی و بروز و ظهور آن را می توان این گونه برشمرد.

- معماری و ساختمان مساجد
- کاخ ها و ابنیه خلفای اموی، عباسی، فاطمی، عثمانی و ...
- سفال سازی، خط، مینیاتور، نقاشی
- دژها و برج و باروها
- ابنیه مشاهد و مقابر پیشوایان
- مدارس و مراکز علمی، نظامیه ها و ...
- تزیینات سنگی، گچی، چوبی و کاشیکاری
- ادوات جنگی و ابزار دیوانی و حکومتی
- فرش، پارچه، فلاپوزی، لباس نظامیان و سیاستمداران
- تزیینات خارجی و داخلی بناهای مذهبی و غیر مذهبی
- ابزار و وسایل مساجد و منازل همچون: منبر، رحل و قلعدان

- کتاب نویسی، کتاب سازی، خطاطی و تذهیب

- هنرهای مکتوب، نظم، نثر و تألیفات ادبی

عمارت و ساختمان در واقع نمایانگر تاریخ یک قوم و ملت و نمودار تمدن در یک قرن و دوره است و معماری اسلامی هم از آنجا که غالباً بنا دستور قدرتمندان و حاکمان بوده است، شاستامه حکومتها، دولتها، امیران و خلفاست.

و از سوی دیگر چون خالق اصلی این آثار، هنرمندان مسلمان هستند، آن معماریها شاستامه هنرمندان نیز می باشد.

مسئله معماری مسلمانان نیز هر چند تمامی ساختمانهای مساجد، کاروانسراها، مدارس، نمازخانه ها، حسینیه ها، تکیه ها ... را فرا می گیرد ولی در این میان مسجد اعتبار و ویژگی خاصی دارد. در بحث از معماری باید بر روی مسجد، به عنوان سبب تجلی هنر مسلمانان، بیشتر تکیه کرد، زیرا پتانسیل مساجد در این خصوص اهمیت بیشتری و جنبه زیربنایی دارد. بنابراین از زوایای مختلف به این پایگاه عظیم وحدت و تجمع امت اسلامی می نگریم.

بعد از انهدام اساس کفر و شکست بشها به دست پیامبر، وابستگی به آن صورتهای مجسمه ها همچنان در دل جمعی از عربها باقی بوده، و به خاطر علاقه به ابقای آنها و حفظ آثار نیاکانشان آنها را می ساختند. همچنانکه به قول امام خمینی: تا امروز هم گروهی در این مملکت به خاطر حفظ آثار اجدادشان به نگهداری نشانه های آتش پرستان ... می پردازند.

شیخ محمد عبده در این زمینه گفته است: گمان غالب آن است که احادیث مذمت و نهی از تصویر مربوط به ایام بت پرستی باشد، که تصاویر در آن روزگار یا برای لهور بوده است یا تبرک جستن از صورت صالحان. بنابراین در هر دو صورت یا بازدارنده از خداوند است یا زمینه ساز شرک. حال اگر این دو انگیزه از بین برود و فواید دیگری داشته باشد، در آن صورت مانند تصویر گیاهان و درخت در مصنوعات و جاهای دیگری است که اشکال ندارد. [یوسف، الفنون، ۲۵۰]

صاحب تفسیر المنار نیز در این باره گفته است: علت احادیث وارده در مذمت آن صرفاً امر دینی بوده است. و برای حفظ عقیده از لوازم و شعائر شرک بوده است. زیرا در آن روزگار انگیزه ای جز پرستش برای عکس و تصاویر نبوده است. و چون برای تعظیم و تقدیس مذهبی بوده است و شعائر کفر محسوب می گشته، از باب تشبیه به آنها نهی شده است. والا امروز در علوم و صنایع تصویر فواید بسیاری دارد و یکی از ارکان تمدن و وسیله ای برای رشد علوم، فنون، صنعت و سیاست محسوب می شود. [یوسف، ۲۵۸-۲۵۹]

در هر صورت نتیجه ای که از این نقل قولها می توان گرفت، تأکید مجدد بر همان سخن نخستین است که ممانعتها و نهی ها جهت پاکسازی اندیشه و عمل و تطهیر محیط ذهن و زندگی از هرگونه گرایشها و آلودگیها به مظاهر شرک بوده و بعد اعتقادی داشته است.

امام خمینی (ره) در کتاب مکاسب محرمة می فرماید: مراد از مجسمه ها و تصاویر، تمثال پنهانی است که مورد پرستش قرار گیرد.

ملکوت در رواق مسجد

هر آنچه توسط هنرمندان مسلمان در طول تاریخ اسلامی پدید آمده و در زمینه های گوناگونی مجال بروز یافته است هنر اسلامی نیست و نمی توان آن را بر مکتب تحمیل کرد و مهر اسلام را پای آن زد، بلکه آمیخته ای است از آنچه داشته و آفریده اند و آنچه از دیگران گرفته یا تحت تأثیر بوده اند.

و نیز ترکیبی است از آنچه حدود شرع در آن رعایت شده و آنچه که بر مبنای فقه اسلام استوار نیست.

هنر مسلمانان که زمینه اش حیات فردی و اجتماعی مردم



نمای عمومی مسجد سلطان احمد (آبی)، استانبول

چیزی که روز قیامت به خداوند شکایت می‌کند، مسجد خراب و ویرانی است که اهل آن در آنجا نماز نمی‌خوانند. [حرعاملی، وسائل، ج ۳، ۴۸۴]. نماز نخواندن در مسجد خرابی مسجد است. در مقابل، عمران و آبادی آن به حضور فعال مردم برای عبادت و سیاست در مسجد است. آبادی مسجد به نقشه مهندسی، مصالح ساختمانی خوب، خرج زیاد و شکوه ظاهری آن نیست. بلکه به اثر بخشی آن و استفاده صحیح از مسجد است. شکوه معنوی و جلالت و عظمت عرفانی و الهی آن مهم است نه کاشیهای معرق، درها و رواقهای بلند، سنگفرشهای ظریف و قیمتی و در و پیکرهای منبت کاری شده. آبادی مسجد به آن است که مرکز معنویت و عبادت برای خدا و ایجاد رابطه با خالق باشد. آموزشگاه دین و حکمت و کانون برپایی شعائر دین باشد. مسجد بوسیله پایگاه بودن برای امور مسلمانان، معبد و مصلا بودن و به علم و عبادت، به توادع و عبودیت، به مرکزیت حضور دینداران، به تدریسها و تعلیمها، به حلقه‌های آموزشی و درسی، به محافل ادبی و بلاغت و نقد، و به مجمعه‌های علمی و اخلاقی در آن آباد می‌شود. علی (ع) می‌فرماید: زمانی بر مردم می‌آید که در میان مردم باقی نماند از قرآن مگر نشانه اش و از اسلام مگر نامش. در آن روزگار مساجدشان از جهت ساختمانی آباد است. ولی از جهت هدایت خراب است. [حرعاملی، ج ۳، ۴۸۴]. در روزگار قدیم، مساجد مسلمانان کوچک و ساده بودند؛ با دیواری به ارتفاع قامت یک انسان. ولی مساجد امروزی در جهان اسلام، هرچند هم از جنبه تعداد، افزایش یافته و هم از

مسجد و جایگاه ویژه آن در فرهنگ اسلام مسجد محل سجود، خضوع و کرنش بندگان خدا در پیشگاه خداست؛ جایی برای ایجاد رابطه با پروردگار و اظهار عبودیت و کوچکی در برابر ربوبیت و عظمت خالق هستی.

قداست مسجد در همین رابطه متقابل عبودیت عبد و ربوبیت رب نهفته است. بنابراین عظمتش هم در معنویت آن است نه در ساختمان و بنای رفیع.

تلقی و قضاوت سطحی نگران و استنباطشان از مسجد این است که مسجد مأذنه‌ای است برای اذان گفتن و شبستانی برای نماز و حوضی برای وضو و محرابی جهت پیشنماز و منبری که واعظ بر آن نشیند. ولی واقع امر این است که مسجد، کانون گرم زندگی ساز و سعادت آفرینی است که جنبشهای انقلابی از آنجا ریشه می‌گیرد. مسجد جایی است برای اصلاح باطن اجتماع، مجلس شورای اسلامی هر محل، مکانی برای عبادت، مدرسه، اندرزگاه، کانون خیریه، مرکز تربیت، تعاون اجتماعی و پایگاه بسیج مردم و آگاه کردن آنان. در مسجد روحانی مردم را به خدا می‌خواند و زندگیها را پاک می‌سازد. علمای دین از این نهاد به عنوان یک شبکه بی نظیر، عظیم، گسترده و مردمی جهت ارتباط، تبلیغ و پیام رسانی با رنگ و محتوایی مذهبی استفاده می‌کنند. مسجد مقدس‌ترین، پاک‌ترین، سرنوشت سازترین و اجتماعی‌ترین مکان و محل برای حضور مسلمانان؛ و به تعبیر امام خمینی (ره)، مساجد سنگر است و باید سنگرها را حفظ نمود.

با توجه به اهمیت یاد شده، ساختن مسجد و آباد کردن و پرداختن به امور آن در اسلام مورد تأکید فراوان است.

رسول اکرم (ص) می‌فرماید: هر کس در مسجدی از مساجد خدا چراغی برافروزد، تا وقتی که در آن مسجد پرتوی از آن چراغ می‌تابد فرشتگان و حاملان عرش برایش استغفار می‌کنند.

از این رو هر کس که به رونق و جلای مسجد بیفزاید، مرکزیت آن را تثبیت کند، به نظافت و طهارت و تمیزی آن کمک کند و محتوای آموزشی و تربیتی آن را غنی تر سازد مورد تشویق اسلام است. و هر چه که به آلودگی و بی‌اعتنایی و بی‌حرمتی بیانجامد و عامل غفلت، سرگرمی و دنیازدگی گردد، مورد نهی و نکوهش می‌باشد.

امام صادق (ع) می‌فرماید: از آن جهت مابیه بزرگداشت مساجد ما موریم که آنها خانه‌های خدا در زمین هستند.

اولین مسجدی که در اسلام بر پایه‌هایی از تقوا و پرهیزگاری [توبه/۱۰۸] ساخته شد مسجد قبا بود، که پس از هجرت پیامبر از مکه به مدینه احداث گردید.

قرآن کریم می‌فرماید: مساجد خدا را تنها کسانی آباد می‌کنند که به خدا و قیامت ایمان داشته و نماز را برپا می‌دارند، زکات می‌پردازند و جز خدا از احدی نمی‌ترسند.

امام صادق (ع) در حدیثی بیان فرموده است که یکی از سه

حرکت منظومه شمسی، حرکت زمین بر گرد خورشید، برگرد زمین و الکترون بر گرد مرکز اتم به صورت منحنی است و این نشان خضوع نظام آفرینش در برابر قدرت برتر الهی است و رکوع هستی را در معبد خلقت می‌رساند. حتی افق منحنی آسمان بالا نیز نشان دهنده خضوع در برابر خدایت، زیرا جهان خود یک محراب وسیع است که انسان در برابر آفریدگارش، در این نیاشگاه با خضوع و خشوع عبادتگر اوست.

اگر سرد و ایوان مساجد منحنی است، اگر پیشانی محراب و سقف مساجد خمیده است. اگر گنبد بناهای دینی حالت رکوع دارد، بیان‌کننده آن روح تعبد و تسلیم و انحنا در برابر خالق است. امام جماعت در محرابی به رکوع می‌رود که خود راکع است. گنبد نیز محرابی است که یک اجتماع راکع در زیر آن تجمع کرده‌اند و رکوع نشانه ایمان و توحید مردم است.

ترکیب زیبای خط رنگ و کلام آنچه که از ویژگیهای هنر مسلمانان در بنای مساجد و تزئین گنبدها و محرابها و دیوارها و رواقهاست، نوع تلفیق و ترکیب خطوط هندسی و منحنی با سایه، نور و رنگ در زوایا و سطوحی متناسب است.

ظریف کاربرهای به کار رفته در این تلفیق هنرمندانه، هم بُعد معنوی و جذبه غیرمادی به آثار معماری اسلامی می‌بخشد، و هم انسان را در دنیایی ژرف از زیباییها و احساسهای فوق طبیعی قرار می‌دهد، به گونه‌ای که به یک اثر هنری معماری فوق یک بعد، بلکه ابعدی عمیق می‌بخشد.

برخلاف هنرهای غربی که بعد سوم، یعنی عمق را در نظر دارند، هنر اسلامی کوشش در دور شدن از آن را دارد، منتهی عمق دیگری را دنبال می‌کند و آن عمق درونی و معنوی است. در داستانهایی هزار و یک شب، مجموعه قصه‌هایی را می‌بینیم که هر کدام در دل دیگری است. همچنین در تزیین درها می‌بینیم که یک تزیین مارا به زینت دیگری در داخل آن رهنمون می‌شود و این نیز به نوبه خود مارا به دیگر منتقل می‌کند! [الآئی، الفن الاسلامی، ۹۵]

خط نیز یکی از مهمترین عناصر هنر شکل‌گراست، و نمایشگر نوعی حرکت و رونق در بیان غرض می‌باشد. خط در آثار هنر اسلامی غالباً به دو صورت به کار رفته است.

- منحنی، که حالت دورانی و جویانی دارد و پیمانگر نوعی رهایی و آزادی در محدوده همان مساحت تزیین شده است. این نوع خط، اگرچه از محدوده بیرون نمی‌رود، ولی احساس اطلاق و استعزاز و بی‌نهایتی را در انسان ایجاد می‌کند و تلاش مستمر و حرکتی مداوم و بی‌وقفه را القا می‌کند.

- خطوط هندسی، که نقش محدود کننده مساحت را دارد و با رشد هنر رو به دقت می‌رود. معمولاً به این نوع خطوط تزیینهایی از نوع اول ضمیمه می‌گردد. این شکل از خط غالباً به صورت شکلهای ستاره‌ای و بخصوص چند ضلعی یا به صورت

لحاظ وسعت، گسترش یافته و آبادتر شده‌اند و خرجهای زیاد و هزینه‌های بیشتری دارند ولی مساجد کمتر در خدمت اهداف عظیم اسلامی می‌باشند. از همین جاست که گرچه شکوه ظاهری و هنر و معماری مساجد افزایش یافته ولی در جان بیننده، آن هیبت و زیبایی و جلال را بر نمی‌انگیزد.

نباید فراموش کرد که تقدس و محتوای مسجد بود که باعث می‌شد تا مسلمانان به شکل ظاهری آن هم اهمیت دهند و در بنای مساجد با شکوه همت گمارند و اگر خراب و فرسوده یا تنگ و کم ظرفیت می‌شد، تجدیدبنا و تعمیر کنند یا بر وسعتش بیافزایند.

مناره در مسجد

در مساجد نخستین اسلام مناره‌ای وجود نداشت و این عنصر معماری بعدها پدید آمد. صورت مطلوب مناره - بنا بر آنچه در روایات آمده - آن است که هم سطح یا دیوار و بام مسجد باشد نه بلندتر، زیرا موجب اشراق بر خانه‌های اطراف و اذیت همسایگان معبد خواهد شد. هم اکنون، مناره یکی از ویژگیهای ممتاز و آثار برجسته معمار اسلامی در ساختمان مسجد شده است.

شهید پاک‌نژاد می‌گوید: «اثر مساجد اسلامی - که کانون گرم شهرند - دارای مناره هستند که نامهای مختلف مناره عبارتند از: گلدسته، گلپانگ و مأذنه. اغلب دو تا و گاه تعدادشان کمتر یا بیشتر است. به هر صورت اغلب مساجد اسلامی را مناره‌هایی است با وضع ساختمانی مخصوصی که به کار تعیین قبله می‌آید.» [پاک‌نژاد، اولین دانشگاه، ج ۱، ۱۷۰]

محراب و گنبد و ایوانهای قوسی شکل

از مهمترین ویژگیهای مساجد و بناهای دینی مسلمانان می‌توان به این سه امر اشاره کرد:

۱. رواقها و ایوانهای محیط بر صحن مسجد
۲. بکار بردن خط کوفی و نقشهای نوشتاری برای تزیین دیواره‌ها و کناره و لبه سقفها.
۳. قوسی شکل یونان بالای درها و مدخلها و سقفها - اکثراً به شکل نعل - حالت انحنا و قوسی بودن در معماری اسلامی معنای عمیق و خاصی می‌تواند داشته باشد. این انحنا بیشتر در شکل گنبدها، محرابها، سردها، ایوانها و قسمتهایی از رواق وجود دارد.

رکوع حالتی ارزشمند برای انسان و نشانه خضوع است و محراب خود نشانی از رکوع و خضوع و فروتنی در یک معبد و مسجد است. چرا که دارای یک خط منحنی است و این انحنا و خمیدگی، هماهنگ با کل هستی و نظام آفرینش است. مدار

برگها، میوه‌ها و ساقه‌های گیاهان سهم عمده‌ای در تزیین آثار هنری داشتند و جهان گیاهان یک منبع الهام به حساب می‌آمد و از هر گلستانی شکوفه‌ای چیده می‌شد.

عناصر هندسی هم سهم زیادی در اشغال سطوح و مساحتها داشتند. یکی از مشغولیت‌های ذهنی هنرمند مسلمان، تلاش برای نوآوریها و ابتکارهای جدید از طریق برخورد و تلفیق زوایا با آمیختگی اشکال هندسی بود تا از این طریق زیبایی سرشاری را پدید آورد.

یکی از بارزترین این تزیینات همان شکل‌های نجومی و چند ضلعیهاست، که طی قرنهای متوالی در آثار هنرمندان مسلمان مشاهده می‌شود.

عناصر خطی و کتابی نیز یکی از درخشان‌ترین انواع تزیینات در هنر اسلامی بودند. مسلمانان با توجه به اهمیت آیات قرآن آنها را در مساجد و مراکز به جای نقوش دیگر به کار می‌بردند، که هم جنبه تزیین داشت و هم امکان تلاوت قرآن را فراهم می‌کرد.

این خطها، عمدتاً به دو صورت کوفی و نسخ مورد استفاده بودند، ولی به خاطر داشتن زاویه‌های قائمه و دومی به خاطر حالت‌های دورانی و انحناهای حروف خود این حروف و خطوط کوفی و نسخ هم با نقوشهای گیاهی، که غالباً در امتداد حروف بودند، ضمیمه می‌شدند.



شبستان جامع قرطبه، کوردوبا، اسپانیا

دایره است. خط هندسی احساس استقرار و آرامش و ثبات را ایجاد می‌کند و نوعی حرکت قاطع و مؤکد در آن نهفته است، زیرا نظر را به داخل مساحت می‌کشد. شگفتی هنر اسلامی در ترکیب این دو نوع خط، و آنهم در نهایت مهارت و تناسب است، که هر کدام نوعی زیبایی را بر می‌انگیزند.

رنگ نیز صنعتی طبیعی در اشیاء است و آن را در تاریکی نمی‌توان دید. شدیداً با نور ارتباط دارد و زیبایی بسیاری از چیزها مدیون آن است.

در هنر اسلامی رنگهای کبود، سبز، طلایی، سرخ و زرد بسیار به کار رفته است. رنگهای سبز و کبود، رنگهایی سرد و متضاد هستند که از اشیاء جسمیت آنها را سلب کرده و احساس بی‌نهایت را ایجاد می‌کنند. رنگ طلایی نیز این تأثیر را دارد.

رنگ عموماً نقش نور را ایفا می‌کند، زیرا غالباً رنگها روشن‌اند، و رنگهای تیره هم به جای سایه و تاریکی بکار می‌روند. سایه‌ها نوعی زیبایی و تنوع را هم بر می‌انگیزند.

هنرمندان مسلمان در تزیین آثار خود از هرچه که به زیبایی و جذابیت اثر بیفزاید استفاده می‌کرده‌اند. مثلاً: گیاهان، شاخ و

منابع:

۱. الألفی، ابوصالح، الفن الاسلامی

۲. پاک‌نژاد، سیدرضا، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر

۳. حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعة

۴. کحاله، عمررضا، الفنون الجميلة فی العصور الاسلامیة

۵. کونل، ارنست، الفن الاسلامی، ترجمه به عربی از احمد موسی

۶. ماهر محمد، سعید، مساجد مصر و اولیاء الصالحون

۷. یوسف، احمد، الفنون الجميلة قديماً و حديثاً